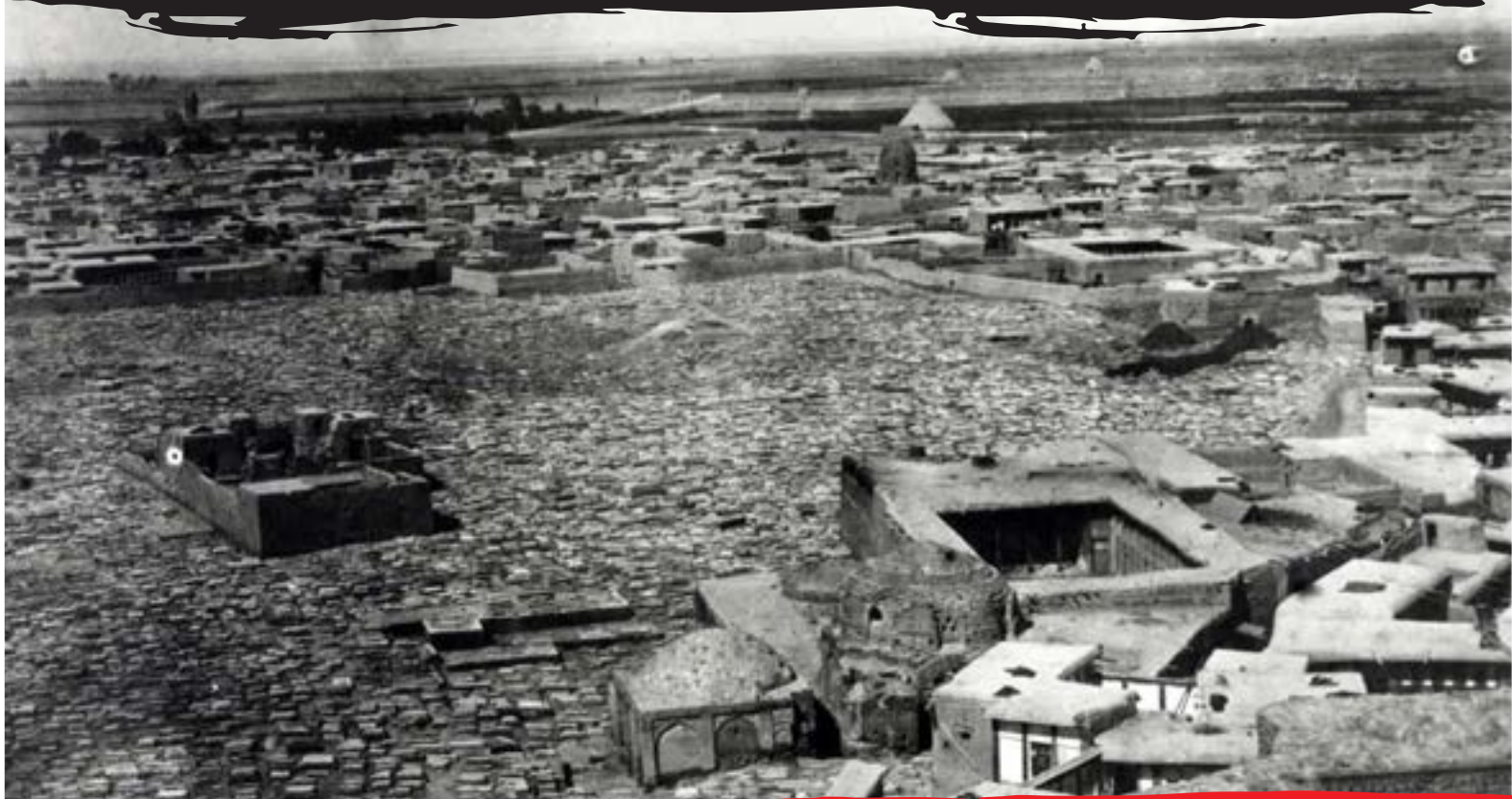


روز خونین مشهد در عاشورای ۵۱۰ قمری



نمایی از قبرستان قتلگاه در دوره قاجاریه (بوم ۱۲۲۲ کاخ عروج گلستان، مکانی که گفته می شد مشولان واقعه عاشورای سال ۱۰۵۱ ه‍.ق در آن دفن شده اند

مرضیه ترابی| سرآغاز قرن ششم هجری برای مشهدی ها چندان خوش یمن نبود. با وجود تمرکز جمعیت در اطراف مرقد مطهر امام رضا^(ع) و شکل گرفتن «شهرچه» بر روی اراضی سنایاد نوغان، مشهد هنوز سامانه دفاعی درخور انکایی نداشت. شهر فاقد باروی استوار بود و همین مسئله وضعیت ساکنان آن را سخت ناپایدار و ناایمن می کرد. درست در همین ایام، عصر طلایی تمدن اسلامی افول خود را آغاز کرده بود و تسامحی که دست مایه رشد علمی و توسعه تمدنی می شد، جای خود را به تنگ نظری هایی داد که امرای سلجوقی و دولتمردان آن ها به آن متمایل بودند. این تمایل البته ریشه های سیاسی داشت و مسائل اعتقادی در آن، از درجه دوم اهمیت برخوردار بود؛ تقابل میان سلجوقیان و اسماعیلیان که حکومتی را درون حکومت سلاجقه ایجاد کرده بودند، یکی از دلایل بروز و ظهور چنین شرایطی بود. اسماعیلیان که در پناه قلعه های رفیع خود، در کوهستان های مرتفع شمال و شرق ایران یکه تازی می کردند و به دشته نیز داییانشان اتکا

داشتند، حکومت سلاجقه را از لحاظ سیاسی و عقیدتی به چالش می کشیدند. همین مسئله اسباب نگرانی سیاست مدارانی مانند خواجه نظام الملک طوسی را فراهم می کرد و باعث می شد که برای جلوگیری از بحران های پیش رو، علاج واقعه را قبل از وقوع کنند و با تمرکز بر ترویج تفکرات خود، راه را بر نفوذ افکار اسماعیلی که گسترش انکارناپذیری یافته بود، ببندند. این تقابل در ابتدای کار چندان مانع مسیر تکاپوهای علمی و زیست مسالمت آمیز پیروان مذاهب در کنار یکدیگر نبود. اما به دنبال مرگ خواجه نظام الملک و در پی وی ملکشاه سلجوقی، هنگامی که قلمرو سلاجقه گرفتار نزاع رقبا شد، شعله های نزاع عقیدتی نیز زبانه کشید و اسباب آشفتگی فراوانی را در سرزمین ایران فراهم کرد. مشهد، به عنوان شهرچه ای مشهور و شناخته شده در جنوب شهر بزرگ نوغان و یکی از مهم ترین کانون های مذهبی در شرق اسلامی، نتوانست از این نزاع فرایگر در امان بماند و سابقه سراسر تقریب خود را طی شده های قبل محفوظ بدارد. نکته درخور تامل

آن است که این نزاع صرفا میان شیعه و اهل سنت برقرار نبود و گستره آن به همه فرق اسلامی بسط پیدا می کرد. محمد بن منور در «اسرار التوحید» حکایتی از نزاع میان جدش «ابوسعید ابی الخیر میهنی»، و زاهدی از اهالی نوغان را نقل می کند که نشان می دهد این تقابل فراتر از درگیری های عقیدتی میان شیعه و سنی بوده و شاید ریشه در نفوذ سیاسی و قدرت خواهی جریان های مختلف داشته است. تقویت مذهب شافعی از سوی دربار سلجوقی و اهتمام خواجه نظام الملک به ترویج و گسترش آن، چنان بود که برخی پژوهشگران معتقدند که هدف از ساخته شدن مدارس «نظامیه»، نهادینه شدن فقه شافعی و قدرت گرفتن آن برای مواجهه مؤثر عقیدتی با جریان اسماعیلیان بوده است. در چنین شرایطی طبعاً اوضاع در مشهد و اطراف آن آرام نبود و گاه بینگاه درگیری هایی میان پیروان مذاهب مختلف آغاز می شد که در برخی مواقع، فاجعه هایی بزرگ را رقم می زد، مانند آنچه که در روز عاشورای سال ۵۱۰ قمری اتفاق افتاد.

بررسی گزارش تلخ «ابن اثیر»

محرم سال ۵۱۰ هجری قمری بود که مشهد شاهد یکی سخت ترین هجمه های تاریخ خود شد، درگیری بزرگی که میان مهاجمان و زائران و مجاوران حرم رضوی درگرفت و به کشته شدن جمع زیادی از اهالی مشهد انجامید. ابن اثیر، مورخ نامدار قرن هفتم هجری و مؤلف کتاب «الکامل فی التاريخ»، یکی از کسانی است که شرحی مختصر از این واقعه را در اثر خود ثبت کرده است. طبق گزارش او، بهانه مهاجمان برای حمله به مشهد، اختلاف عقیدتی بود، اختلافی که از مشاجرہ میان دو مرد آغاز شد؛ یکی اهل مشهد و دیگری از اهالی توس. چنان که ابن اثیر توضیح می دهد «پس از پایان مشاجرہ، هر یک از آن دو تن به دسته خود پیوست و فتنه عظیمی برخواست که در آن، تمام اهل طوس شرکت جستند و مشهد را احاطه کردند و ویران ساختند و هر که را که یافتند، کشتند». بخش مهمی از قربانیان این هجمه بزرگ، شیعیانی بودند که در مشهد و اطراف آن اقامت داشتند. در این دوره هنوز شیعیان مقیم مشهد زقیم و بزرگی نداشتند که بتواند در مواقع سخت، به مدیریت بحران بپردازد. سادات مقیم توس، نوغان و احیاناً مشهد، عموماً از سادات موسوی و حسینی بودند که طی قرن های قبل به خراسان کوچیده بودند. هنوز از حضور سادات رضوی در مشهد و اطراف آن خبری نبود. طبق گزارش ابوالفضل حسن آبادی در کتاب «سادات رضوی در مشهد: از آغاز تا پایان قاجاریه»، حضور سادات رضوی از حدود ۲۷۰ سال بعد از این واقعه و با هجرت شمس الدین محمد رضوی به مشهد آغاز می شود. با وجود آنکه شیعیان اثنی عشری عموماً به دلیل رعایت اصل راهبردی تقیه کمتر به یگموگوهای عقیدتی وارد می شدند، در این نزاع سخت و سنگین از هجمه دشمنان در امان نماندند و آتش نزاع فرقه ای دامن آن ها را هم گرفت و ای بسا پاسوز اقداماتی شدند که از سوی اسماعیلیان علیه حکومت سلجوقی سازمان دهی می شد.

بهانه ای که باعث هجوم شد

بهانه و دلیلی که منجر به این هجوم سخت و کشتار مردم مشهد در عاشورای سال ۵۱۰ قمری شد، چندان مشخص نیست. ابن اثیر نیز به این قضیه اشاره ای نکرده است و تنها در ادامه نقل ماجرا آورده است: «مردم مشهد بر اثر این پیشامد از مجلس وعظی که در روزهای جمعه برپا می داشتند، صرف نظر کردند». به نظر می رسد که منظور از «مجلس وعظ روزهای جمعه»، دعای ندبه باشد که قرائت آن در میان شیعیان اثنی عشری رواج داشت و مورد علاقه بود. با این حال معلوم نیست که دلیل اصلی مشاجرہ و هجمه اتفاق افتاده، ایراد گرفتن فقیه توسی به مسئله برگزاری دعای مذکور باشد. دقیق تر آن است که یگویی مشاجرہ و نزاع پیش آمده، دامن شیعیان اثنی عشری ساکن حریم حرم رضوی را هم گرفت و آن ها، علاوه بر آسیب های مالی و جانی، از اقامه اشکار و عینی یکی از شعایر خود، به صورت موقت، محروم شدند. واقعه هجوم به مشهد زمانی اتفاق افتاد که زمام امور شرق ایران، در دست سلطان سنجر بود و او به نمایندگی از برادرش، «برکیارق»، بر این خطه حکم می راند و در مرو استقرار داشت. قبل است که اجساد مقتولان این هجوم، در گورستانی واقع در شمال حرم مطهر دفن شده و همین مناسبت، آن گورستان را «قتلگاه» نامیدند. هر چند که درباره علت نام گذاری این قبرستان قدیمی و مشهور، دلایل دیگری نیز نقل کرده اند که مجال بیان آن ها در نوشتار پیش رو نیست. درباره آمار مقتولان این هجوم، آماری در منابع تاریخی وجود ندارد.

بی عدالتی در جشن عدالت خواهی

سیده نعیمه زینبی| در تیرماه سال ۱۳۲۲ خورشیدی نامه ای از سوی رئیس دفتر مجلس شورای ملی، هادی مقبل، به دفتر وزارت فرهنگ فرستاده و در آن درخواست می شود که اسامی افراد و مدیران و رؤسای این وزارتخانه که دارای رتبه هشت و ۹ مشاغل خدمت هستند، برای جشن مشروطیت در ۱۴ مرداد ارائه شود. جشن مشروطیت در واقع مراسمی بود که به خاطر وقوع جنبش مشروطه پس از سال های مشروطیت برگزار می شد. زمانی که ایرانی ها به واسطه تحویل بیاجارت در اروپا با مظاہر پیشرفت غرب آشنا شدند و تلاش کردند که آن را در حاکمیت ایران نمایان کنند، زمینه مشروطه فراهم شد. نخستین جرقه این جنبش در سطح سیاسی در ۱۲۸۴ آذر خورشیدی زده شد که علاء الدوله، حاکم تهران، چند نفر از تاجران خوش نام تهران را به خاطر افزایش قیمت قند، فلک کرد و پس از آن اعتراض و بست نشینی بازاریان با همراهی علما، حکومت تهران را فلج کرد. این مبارزات و اعتراضات ادامه یافت تا به پیروزی دست یابد. دستاورد این انقلاب برای ایران امضای فرمان مشروطیت به دست مظفرالدین شاه و تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه بود. البته زمانی که محمد علی شاه به حکومت رسید، نتوانست این مجلس را تاجب بیاورد و بارها برای انحلال آن اقدام کرد. تاجایی که مجلس را به توپ بست و دوران استبداد صغیر را در ایران آغاز کرد. مجموع این اتفاقات کلید برگزاری جشن مشروطه در ایران را زدناسال هاپس از آن اتفاقات، مراسمی برای بزرگداشت نخستین فریادهای ظلم ستیزی و عدالت خواهی ملت ایران را برپا و مجلس ملی دادیهدار برگزاری آن شود. طبق این دعوت دوشب متوالی جشن برگزار می شد که در شب اول رؤسای شاغل در رتبه هشت و ۹ و در شب دوم سایر مدیرانی که وزارتخانه ها را برای دعوت

سند
نوشت



مناسب تشخیص می داد، در آن شرکت می کردند. در انتهای این نامه از وزارت فرهنگ درخواست شده است که صورتی از اسامی استادان دانشکده که دعوت مناسب اند به این فهرست افزوده شود. لازم به توضیح نیست که چه تبعیضی میان مسئولان رده بالا و افراد میان رده در این دعوت وجود دارد. وزارت فرهنگ در پاسخ به این نامه فهرستی از مدیران کل و رؤسای ادارات را برای شب نخست جشن می نویسد که نام افرادی مانند آندره گدار، به عنوان مدیر کل و رئیس اداره باستان شناسی، دکتر علی فرهنگندی، مدیر کل و رئیس اداره کل نگارش، و علی جلالی، رئیس اداره دانش سراها، در آن دیده می شود. نام رئیس اداره کارگزینی، رئیس اداره کل اوقاف، معاون وزارت فرهنگ، مدیر کل فرهنگ و چندین مدیر رده بالای دیگر را در این سیاهه سی نفره می شوند خواند. در فهرست دوم نام شش مدیر تراز اول دبیرستان های پایتخت دیده می شود تا برای روز نخست جشن دعوت شوند. علی اشرف مختار، رئیس دبیرستان شاهدخت، محمد رحیم ادیب، رئیس دبیرستان پهلوی، محمد میرفخرایی، رئیس دانش سرای مقدماتی تهران، محمود امینی، رئیس دبیرستان ایران شهر، علی اکبر مهران، رئیس دبیرستان علمیه، و محمد شمس آوری، رئیس دبیرستان ادیب، از آن جمله بودند.

در انتها نام معاونان و کارمندان ادارات مرکزی وزارت فرهنگ فهرست می شود تا در جشن روز دوم شرکت کنند. در این فهرست نام معاون اداره کارگزینی، مدیر پایگانی کل، بازرس شهرستان ها، معاون اداره امتحانات و رئیس صندوق و معاون اداره باستان شناسی وجود داشت. جدا از چندوچون برگزاری این جشن، این سؤال باقی می ماند که افراد درجه ۲ و ۳ وقتی خودشان را در فهرست میهمانان روز دوم می دیدند، چه حالی که می داشتند این تبعیض نشانه چیست، چه حالی داشتند؟

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صد و پنجاه و یکم)
«انجمن خیریه سعادت»،

نخستین انجمن ملی در مشهد



اعضای انجمن سعادت در خراسان سال های نخست مشروطه

انشیه

۱۷ آذر ۱۳۰۳
۱ محرم ۱۳۴۴
۲۳ مرداد ۱۳۷۵

۱۵



تاریخ و هویت